

بررسی جرم فریب کاری در کود جزای افغانستان

نقیب الله راسخ

محصل دوکتورا، دیپارتمنت حقوق جزا و جرم شناسی، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون خوارزمی، تهران، ایران.

<http://orcid.org/0009-0006-3380-4875> - naqibullahrasikh2@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۰)

چکیده

جرم فریب کاری یکی از مهم‌ترین جرائم علیه حق مالکیت است که هر روز گسترش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جرم فریب کاری گفتن دروغ توسط فریب کار و فریب خوردن مجنی علیه است، هم‌چنین یکی دیگر از ویژگی‌های جرم فریب کاری که مورد توجه حقوق دانان قرار نگرفته، سوء استفاده از نقطه‌ی ضعف و بردن مال به صورت ناروا است. قانون‌گذار افغانستان تعدادی از مواد قانونی را به جرم فریب کاری اختصاص داده است. بنابراین در این تحقیق که به روش توصیفی- تحلیلی تهیه و تنظیم شده است، مطالب مطروحه حول محور پاسخ به این پرسش بوده است که اساساً نگاه قانون‌گذار افغانستان در زمینه جرم‌انگاری جرم فریب کاری چیست؟ راجع به جرم فریب کاری قبلاً هیچ تحقیقی به صورت مستقل انجام نشده است و نیاز مبرم بوده که به صورت جدی روی این موضوع تأملی صورت بگیرد. در فریب کاری بر خلاف سایر جرائم که علیه اموال رخ می‌دهد فرد مال‌باخته با میل خود مال خود را در اختیار دیگری قرار می‌دهد. از جمله عواملی که در بروز این جرم مؤثر است می‌توان به فقر و نداری اشاره کرد، افراد مال باخته در این جرم اغلب افرادی ساده لوح هستند، که در اثر فریب مال خود را به مجرم تقدیم می‌کنند و این در حالی است که مال انسان‌ها همواره مورد احترام قرار گرفته تا آن جایی که گفته شده است. مال انسان قابل احترام است هم‌چنانی که خون او قابل احترام است.

کلمات کلیدی: اغفال، امور غیر واقع، فریب کاری، وسیله‌ی متقلبانه.

Examining the crime of fraud in the penal code of Afghanistan

Naqibullah Rasikh

Ph.D. Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science,
Kharazmi University, Tehran, Iran.

naqibullahrasikh2@gmail.com - <http://orcid.org/0009-0006-3380-4875>

(Received: 22/01/2024 - Accepted: 29/04/2024)

Abstract

The crime of fraud is one of the most important crimes against property rights, which is expanding every day. One of the most important features of the crime of fraud is telling lies by the fraudster and being deceived by the victim, and another feature of the crime of fraud that has not been noticed by jurists is abusing a weak point and taking property illegally. The Afghan legislature has assigned a number of legal articles to the crime of deception. Therefore, in this research, which has been prepared and organized in a descriptive-analytical method, the topics discussed have been centered around the answer to the question, what is basically the view of the Afghan legislator in the field of criminalizing the crime of deception? Regarding the crime of fraud, no independent research has been done before and there is an urgent need to seriously reflect on this issue. Another decides. Among the factors that are effective in the occurrence of this crime, we can mention poverty and poverty, the people who lost their property in this crime are often simple people who present their property to the criminal as a result of deception, and this is while people's property is always subject to Respect has been placed to the extent that it has been said that human property is respectable as well as his blood is respectable.

keywords: Deception , Fraudulent means , Ignorance, Unreal affairs.

مقدمه

جرائم علیه اموال، همواره در جوامع و ملل گوناگون وجود داشته و در ادوار مختلف تاریخ به شکل‌های متنوع و پیچیده‌ای به وقوع پیوسته است. وجه مشترک جرائم علیه اموال آن است که همه آنها مشتمل بر نقض حقوق مال‌کانه اشخاص می‌باشد. از زمانی که مالکیت خصوصی به حیث یک پدیده اجتماعی مورد قبول قرار گرفت، تجاوز به اموال دیگران نیز به‌عنوان یک عمل زشت مورد توجه بوده است. منتها، شیوه این تجاوز در طول تاریخ متفاوت بوده است. امروزه «مالکیت شخصی» یکی از پایه‌های اساسی و بنیادین بسیاری از جوامع را تشکیل می‌دهد و لازمه حقوق و آزادی‌های مدنی اشخاص محسوب می‌شود. بدون شک مفاهیم مال و مالکیت از بنیان‌های اساسی جامعه محسوب می‌شود و حمایت از آنها همواره از اهداف مهم دولت‌ها به شمار می‌رود. جرائم مالی علاوه بر تعرض به منافع مالی اشخاص، موجبات بی‌ثباتی و سست شدن پایه‌های اقتصادی نظام اجتماعی می‌گردد. در حقیقت خسارت واقعی و اساسی جرائم مالی به جامعه یا بخشی از آن وارد می‌شود.

مهم‌ترین جرائم علیه اموال شامل فریب کاری، خیانت در امانت و سرقت است. فریب کاری از جمله جرائمی است که علیه اموال افراد یک جامعه صورت می‌گیرد و درعین حال یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین جرایم مالی، جرم فریب کاری است که امروزه به‌صورت متنوع و تکامل یافته در جوامع مختلف و از جمله کشور ما «افغانستان» شایع است. آنچه جرم فریب کاری را از سایر جرائم علیه اموال متمایز می‌سازد، این است که در اکثر این جرائم، مال بدون رضایت یا آگاهی صاحب مال و یا حتی گاه به دلیل توسل مجرم به زور و اعمال خشونت‌آمیز، از قربانی جرم به مجرم منتقل می‌گردد، درحالی‌که در جرم فریب کاری، فرد فریب کار به‌گونه‌ای عمل می‌کند که مالک یا متصرف مال، فریب‌خورده، مال‌باخته و از روی میل و رضایت به امید کسب ثروت و منفعت، مال خود را در اختیار مجرم قرار می‌دهد. اغفال و فریب قربانی جرم، نیاز به انجام مانورهای متقلبانه و عملیات اجرایی خاصی از سوی مجرم دارد. به هرتقدیر از آنجا که در فریب کاری فریفته شدن قربانی و اغفال وی نیازمند به حیل و دسیسه و توسل به مانورهای متقلبانه است از این‌رو اغلب فریب‌کاران حرفه‌ای بر خلاف بسیاری از مجرمین دیگر نه تنها از بهره هوشی بالایی برخوردارند؛ بل که بر خلاف مجرمان یاغی که فاقد پیشه شرافتمندانه هستند. این گروه از مجرمان چه بسا دارای مشاغل مهم و مناصب اقتصادی یا تحصیلات عالی و موقعیت اجتماعی خوبی هستند، که با استفاده از این مناصب و موقعیت‌ها و بهره‌گیری از جذابیت و چرب‌زبانی و خوش‌لباسی قربانی خویش را به دام می‌اندازند. به بیان واضح‌تر در جرم فریب کاری مجرم، طرف را خود انتخاب می‌کند که چه شخصی باشد.

امروزه جرم فریب‌کاری به روش‌های سنتی و قدیمی آن محدود نمی‌گردد و دارای وسعت و پیچیدگی‌های فراوانی شده است. با پیشرفت علم و تکنالوژی و تسهیل ابزارهای ارتباطی، راه‌های ارتکاب جرائم از جمله فریب‌کاری نیز به همین میزان پیشرفت کرده و موجبات تسهیل آن فراهم گشته است. علی‌رغم برخورداری از وجوه مشترک، هر یک از جرائم مالی از عناصر خاص خود برخوردار هستند، و همین امر بررسی مجزای آنها را ایجاب می‌کند. قانون جزای کشور ما (افغانستان) این جرم را در فصل چهارم، باب نهم خویش تحت عنوان جرم فریب‌کاری پیش‌بینی نموده بود. هرچند مطابق فرمان امیرالمؤمنین امارت اسلامی افغانستان تمامی قوانین جزایی ملغی گردید و مطابق فقه و شریعت اسلامی به این موارد رسیدگی می‌شود؛ ولی فریب‌کاری در زمره جرائم علیه اموال و مالکیت قرار دارد. در جرم فریب‌کاری علاوه بر این که افراد متضرر می‌شوند در کنار آن جامعه و دولت هم از ضرر مصون نمی‌ماند چرا که جرم فریب‌کاری می‌تواند موجب تزلزل پایه‌های اقتصاد کشور گردد و باعث به وجود آمدن حس بی‌اعتمادی بین افراد جامعه شود. نکته دیگری که توجه به این جرم را مهم می‌شمارد، کثرت وقوع آن در جامعه است. فریب‌کاری یکی از شایع‌ترین جرائمی است که تقریباً در همه کشورهای جهان وجود دارد و با توجه به پیشرفت تکنالوژی بر شیوع آن افزوده می‌شود، بنابراین، مطالعه جرم فریب‌کاری در قوانین برای آشنایی با محدودیت‌های حقوقی این جرم از ضروریات است، در صورتی که امارت اسلامی در آینده تصمیم به تصویب و داشتن یک قانون مجازات اسلامی را داشته باشد باید به جرم فریب‌کاری توجه ویژه‌ای صورت بگیرد.

در این تحقیق به چندین سؤال، جواب ارائه گردیده است که، نگاه قانون‌گذار افغانستان در زمینه جرم فریب‌کاری یک عمل کنشی بوده یا واکنشی؟ در برابر جرم فریب‌کاری شدت واکنش قانونی قانون‌گذار چگونه بوده است؟ آیا قانون‌گذار با توجه به وضعیت اجتماعی و عصر تکنالوژی توجه قابل‌تاملی نسبت به جرم‌انگاری جرم فریب‌کاری داشته است؟

در حدی که بررسی شد؛ تاکنون در باره این موضوع تحقیق مستقل در افغانستان انجام نشده است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است یعنی روش گردآوری معلومات در این تحقیق، کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب، نشریات، مونوگراف‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی در افغانستان صورت گرفته است. هدف اصلی این تحقیق بررسی و شناخت جرم فریب‌کاری در کود جزای افغانستان می‌باشد.

الف) تعریف جرم فریب‌کاری

هر جرم تعریف خاص خود را دارد و جرائم را بدین لحاظ تعریف می‌کنیم که تعریف متضمن کامل‌ترین خصوصیت و اوصاف مربوط به هر جرم و تفاوت آن با سایر جرائم و در نتیجه به

کمک آن می‌توانیم سهولت جرائم مختلف را که ظاهراً با هم ممکن و مشابه باشند از یکدیگر تفکیک و تشخیص نماییم (واصل، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۷).

کلاهبرداری واژه فارسی از ترکیب دو جزء (کلاه) و (برداری) تشکیل شده است که معادل فرانسوی آن Escroquerie و معادل عربی آن (احتیال) یا (نصب) است و در زبان انگلیسی در مقابل مفهوم مذکور واژه‌های Cheat, Swindling و Fraud استعمال شده است (قربانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۶) و در زبان فارسی کلاه به چیزی اطلاق می‌شود که از پوست، پارچه، زربفت و امثال آن می‌دوزند و بر سر می‌گذارند و پسوند (برداری) مشتق از مصدر برداشتن به مفهوم بلند کردن است در مجموع این واژه‌ها به معنای برداشتن کلاه از سر است؛ اما از حیث معنای مجازی به مفهوم ربودن عقل از شخص است و بدین اعتبار کلاه کسی را برداشتن به معنای فردی را فریب دادن و مال وی را تصرف کردن یا به قصد عدم پرداخت از او قرض گرفتن است. کلاه بر سر کسی گذاشتن نیز به مفهوم گول زدن، فریفتن، مغرور کردن و بدین طریق مال غیر را تصاحب نمودن است (سالاری، ۱۳۹۳، ص. ۴۳).

هم‌چنان فریب کاری در برخی متون و نوشته‌های حقوقی به (بردن مال دیگری از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه و شروع به فریب کاری هم به توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه برای بردن مال دیگری) تعریف شده است. برخی نویسندگان نیز فریب کاری را به سلطه یافتن بر مال دیگری از راه عملیات متقلبانه و فریفتن و ادا کردن صاحب مال به تسلیم مال به قصد تملک و یا تحصیل مال دیگری با توسل به وسایل متقلبانه معنی کرده‌اند (آقایی نیا، ۱۳۹۷، ص. ۳۵). در حقیقت آنچه که در همه تعریف‌ها استنباط می‌شود، تأکید بر شرط (توسل به عملیات و وسایل متقلبانه) است که این جرم را از دیگر جرائم علیه اموال، مانند سرقت و خیانت در امانت متمایز می‌کند. تفاوت فریب کاری با سرقت نیز در همین نکته است که در سرقت مال به طور معمول بدون تقلب ربوده می‌شود، حال آنکه در فریب کاری مال باخته با رضایت و طیب خاطر که ناشی از اغفال و فریب اوست، مال را در اختیار فریب کار قرار می‌دهد. پس فریب کاری عبارت از بردن مال غیر از طریق توسل توأم با سوءنیت به وسایل یا عملیات متقلبانه به معنی ظاهر کردن خلاف آن که در باطن است (روحانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۹).

ب) ارکان جرم فریب کاری

مطابق رویه معمول در حقوق کیفری ساختار هر جرمی از سه رکن قانونی، مادی و معنوی تشکیل شده که در تحلیل و تشریح جرم، مورد توجه نویسندگان حقوق کیفری قرار می‌گیرد. شناخت عناصر تشکیل دهنده جرم فریب کاری، وسیله‌ای است تا بتوان آن را از سایر جرائم

علیه مالکیت تشخیص داد؛ زیرا برخی از عناوین مجرمانه مانند سرقت و خیانت‌درامانت، وجوه مشترکی با فریب‌کاری دارند و فقط با شناخت و تبیین عناصر و ویژگی‌های خاص هر کدام، می‌توان یکی را از دیگری تمییز داد (مصدق، ۱۳۸۵، ص. ۵۵).

به‌صورت واضح‌تر در بیشتر منابع و نوشته‌های حقوق جزای اختصاصی، در بررسی و تحلیل جرائم به هر سه رکن سازنده جرم اشاره می‌شود. این رویکرد، بدان جهت اتخاذ می‌شود که برای شکل‌گیری جرم هر سه رکن ضرورت دارد: نخست، رکن قانونی که به رفتار مرتکب وصف مجرمانه می‌بخشد. دوم، رکن مادی که افزون بر رفتار مرتکب، شامل موضوع، وسیله، زمان، نتیجه، رابطه استناد و هرآنچه که نمود عینی جرم است، می‌شود. سوم، رکن معنوی که به فعل و انفعالات ذهنی مرتکب اشاره دارد که در جرائم عمدی شامل علم و قصد مجرمانه و در جرائم غیر عمدی به شکل تقصیر ظاهر می‌شود. با فقدان یکی از این ارکان مذکور، جرم واقع نشده و به تبع آن مسؤولیت کیفری و پاسخ‌گویی نسبت به رفتار ارتكابی شکل نمی‌گیرد.

۱. رکن قانونی

هر جرم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی تشکیل می‌شود و برای محکوم‌شدن متهم به ارتکاب جرم، باید کلیه اجزای این عناصر توسط مرجع تعقیب اثبات شود. ریشه عنصر قانونی را باید در اصل قانونی‌بودن جرایم جست‌و جو کرد. یکی از اصول مسلم حقوق کیفری این است که تا زمانی قوانین حاکم بر یک جامعه عملی را جرم تشخیص نداده و آن را قابل مجازات نداند، اشخاص در انجام آن عمل آزاد هستند. منظور از این اصل به بیان مختصر آن است که اولاً برای آن که رفتار انسانی جرم به شمار آید، باید که قانون‌گذاران این رفتار را قبلاً جرم‌انگاری کرده باشد (عبدالله‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۰)؛ ثانیاً هیچ مجازاتی ممکن نیست مورد حکم قرار بگیرد، مگر آن که قبلاً از طرف قانون‌گذار برای همان جرم وضع شده باشد؛ ثالثاً هیچ محکمه‌ی صالح رسیدگی به جرمی نیست؛ مگر آن که قانون، محکمه‌ای را برای رسیدگی به آن جرم صالح شناخته باشد. رابعاً هیچ حکمی از طرف محکمه علیه متهمی صادر نخواهد شد مگر پس از رسیدگی و محاکمه و آن هم طبق شرایط پیش‌بینی‌شده در قانون.

به‌عبارت دیگر تعیین جرم، تعیین مجازات، تعیین متهم، صدور حکم جزائی و اجرای آن باید طبق اصول و مقررات پیش‌بینی شده در قانون باشد. هرگاه حکمی برخلاف قانون و یا بدون رعایت یکی از شرایط یاد شده صادر گردد، آن حکم جنبه قانونی نداشته و در مرحله بالاتر مثل تجدید نظر و فرجام نقض خواهد شد.

به‌موجب اصل ۲۵ قانون اساسی: «برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه باصلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود.» هم‌چنین اصل

۲۷ همان قانون بیان می‌کند: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون. هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه باصلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.»

ماده ۷ کود جزا نیز با توجه به همین قاعده بیان می‌کند: «(۱) هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن، نافذ گردیده باشد. (۲) هیچ جزائی را نمی‌توان تطبیق نمود، مگر این که در این قانون تصریح شده باشد. (۳) هیچ شخصی را نمی‌توان مجازات نموده؛ مگر به حکم محکمه ذیصلاح، مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام، نافذ گردیده باشد. (۴) مجازات بالای مرتکب با نظر داشت سایر شرایط و احوال مندرج در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی تطبیق می‌گردد»

کود جزای افغانستان به ترتیب در مواد (۷۲۵)، (۷۲۶) و (۷۲۷) رکن قانونی جرم فریب کاری را بیان می‌نماید که مطابق ماده (۷۲۵) آن: «(۱) شخصی که با کاربرد اسم، صفت یا سمت کاذب یا سوء استفاده از سمت واقعی یا دادن اطلاع نادرست در حادثه معین یا امیدوار کردن به یک امر غیرواقعی یا ترساندن از یک امر غیرواقعی یا سایر وسایل فریب کارانه، شخص دیگری را به تسلیمی یا انتقال حیات پول یا مال یا کسب خدمت یا منفعت برای خود یا برای شخص دیگری وادار سازد، مرتکب جرم فریب کاری شناخته شده، به حبس متوسط (ماده ۱۴۷ کود جزا: «(۲) حبس متوسط بیش از یک سال تا پنج سال.») محکوم می‌گردد. (۲) به مقصد فقره (۱) این ماده وسایل فریب کارانه عبارت از وسایلی است که به اثر آن مجنی علیه فریب خورده به تسلیمی یا انتقال حیات پول یا مال یا منفعت یا اجرای خدمت، وادار گردد. (۳) هرگاه هر یک از زوجین قبل از عقد نکاح، طرف خود را به امور غیرواقعی از قبیل داشتن تحصیلات عالی یا سرمایه، موقف اجتماعی، شغل یا مجرد بودن، فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها صورت گیرد، مرتکب به حبس قصیر (ماده ۱۴۷ کود جزا: «(۱) حبس قصیر از سه ماه تا یک سال.»)، محکوم می‌گردد. (۴) در حالت مندرج فقره (۳) این ماده تعقیب عدلی مرتکب منوط به شکایت شاکی است. شاکی می‌تواند در هر مرحله از تعقیب عدلی از شکایت خویش منصرف گردد، در این صورت رسیدگی به دعوی و تطبیق جزاء متوقف می‌گردد.» هم‌چنین مطابق ماده (۷۲۶) آن: «شخصی که با استعمال وسایل فریب کارانه و با وجود علم به عدم ملکیت یا علم به این که حق تصرف را در آن ندارد در مال منقول یا عقار غیر، تصرف نماید یا در مال با وجود علم به تصرف قبلی در آن یا عقد جانبین به آن تصرف نماید، به نحوی که به اثر آن به غیر ضرر برسد، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.» و هم‌چنان مطابق ماده (۷۲۷) آن: «(۱) شخصی که از احتیاج، عدم مهارت یا ضعف نفس قاصری که ۱۸ سالگی را

تکمیل نموده باشد طوری سوء استفاده کند که به حيله و به واسطه تحریر امضای اسناد ملکیت یا رسید خط متعلق به دیون یا طلبات یا به فراغت از اوراق تجارتي یا سایر اسناد مثبت، ضرری به شخص مذکور برساند، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد. (۲) مجنون، معتوه، محجور و شخصی که بعد از ۱۸ سالگی بالای او حکم استمرار وصایت صادر شده باشد، قاصر شمرده می‌شود. (۳) هرگاه مرتکب جرائم مندرج فقره (۱) این ماده ولی، وصی یا قیم بر مجنی علیه باشد یا به نحوی از انحا به سرپرستی یا حفظ منافع وی مکلف باشد اعم از این که به مقتضای قانون، حکم محکمه یا موافقه خاص باشد، به حبس طویل (ماده (۱۴۷) کود جزاء: « حبس طویل بیش از پنج سال تا شانزده سال.»، تا هفت سال، محکوم می‌گردد.»

۲. رکن مادی

عنصر مادی به معنای ظهور پدیده مجرمانه در عالم واقع است. در اصطلاح به فعل و یا ترک فعل شخص مجرم که موضوع جزاء در قانون جزا واقع شده باشد، عنصر مادی گویند. رکن مادی اصلی‌ترین رکن تشکیل‌دهنده جرم است، که دارای عناصر متعدد است (حبیب‌زاده، ۱۳۷۷، ص. ۸). برخلاف اخلاق که قواعد آن ناظر بر وجدان انسان‌هاست و هرگونه پندار زشت و ناپسند را محکوم می‌کند، حقوق جزاء متضمن اصولی است که حاکم بر رفتار انسان‌ها و توأم با تضمین‌هایی است که حافظ جامعه بشری می‌باشد. صرف داشتن قصد سوء و پندار نکوهیده جرم تلقی نمی‌شود. برای این که بتوان عملی را جرم محسوب کرد و برای آن مجازات تعیین نمود، قصد سوء حداقل باید با ارتکاب رفتار خاصی به فعلیت برسد و در عین عالم واقع عینیت پیدا کند. در واقع فعل یا ترک فعل خارجی که تجلی نیت مجرمانه و یا تقصیر جزائی است، عنصر مادی جرم را تشکیل می‌دهد (اردبیلی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۵).

عنصر مادی جرم فریب‌کاری متشکل از دو رفتار توسل به وسایل متقلبانه و بردن مال دیگری است. از رفتار نخست نتیجه فریب دیگری و از رفتار دوم از دست‌دادن مال توسط مال‌باخته حاصل می‌شود (بهره‌مند، ۱۳۹۶، ص. ۳۹). پس عنصر مادی جرم از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود. اجزائی که شالوده و اساس عنصر مادی را در جرم فریب‌کاری تشکیل می‌دهند، عبارت‌اند از:

- ۱- رفتار مادی فیزیکی؛ که بسته به نوع جرم، فعل یا ترک فعل است. در واقع رفتار مجرمانه در این جرم به صورت فعل مثبت می‌باشد (محمدنژاد، ۱۳۸۷، ص. ۷۳)
- ۲- متقلبانه بودن وسیله (استفاده از وسیله متقلبانه)؛
- ۳- فریفته شدن مال‌باخته؛
- ۴- تعلق مال تحصیل شده به مال‌باخته (به غیر)؛
- ۵- وجود رابطه سببیت.

به منظور شناسایی بیشتر به توضیح و تحلیل هر یک از آنها به نحو مستقل می پردازیم.

۲.۱. رفتار مادی فیزیکی

در فریب کاری نیز، مانند اغلب جرائم، رفتار مجرمانه مرتکب باید به شکل فعل مثبت باشد (حسینی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۷). ترک فعل، حتی اگر توأم با سوءنیت بوده و موجب اغفال طرف مقابل (فرید، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۷) و ورود ضرر به وی شود، هیچ گاه نمی تواند عنصر مادی جرم فریب کاری را تشکیل دهد؛ بنابراین، هرگاه، برای مثال، شخصی با بهره گیری از وسایل متقلبانه، خود را فردی با نفوذ معرفی و موجب فریب قربانی شده و مبلغی را از او می گیرد. در صورتی که به هیچ وجه این فرد دارای چنین موقعیت و شخصیتی نبوده و با انجام فعلی مثبت، مرتکب فریب کاری شده و با اغفال و فریب قربانی جرم، مبلغی را از وی اخذ نموده است و در مورد ترک فعل هرگاه، برای مثال، (الف) به تصور این که (ب) مسؤول اخذ پول مربوط به صدور پاسپورت است، مبالغی را به وی بپردازد و (ب) با علم به اشتباه (الف) پول مزبور را دریافت دارد، و در واقع از گوش زد کردن اشتباه (الف) به او خودداری نماید، وی را نمی توان مرتکب جرم فریب کاری دانست (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۷، ص. ۶۰). به صورت کلی گفته می توانیم که رفتار فیزیکی فریب کاری به صورت فعل است و در همه موارد از دو جزء توسل به وسایل یا عملیات متقلبانه و بردن مال دیگری است (عالی پور، ۱۳۹۵، ص. ۲۶۴).

۲.۲. متقلبانه بودن وسیله

فریب کاری از جمله جرائمی است که برای تحقق آنها کیفیت وسیله حصول به نتیجه مهم است. برای تحقق این جرم، صرف (بردن مال غیر) کفایت نمی کند، بلکه (متقلبانه) محسوب شدن وسایلی که کلاهبردار از آنها برای بردن مال دیگری استفاده کرده است از اهمیت برخوردار می باشد. توسل به وسایل متقلبانه در واقع روش خاصی است که برای استفاده از حيله و تقلب به کار می رود (امینی، ۱۳۹۱، ص. ۵) و حاکی از آن است که مرتکب قصد اغفال طرف مقابل را دارد روش یا مانور فریبکارانه ترکیب یک عمل خارجی است که همراه با مهارت خاص می باشد که می توان آنرا حيله ماهرانه نامید و آن اقداماتی نمایشی است که به قصد شکل مادی دادن به فریب صورت می گیرد؛ با اینکه یک عمل خلاف واقعیت را ظاهراً حقیقی و واقعی نشان دهد.

بنابراین وسایل فریبکارانه طوری که متذکر شدیم دروغ و خلاف واقعیت است که به کمک مظاهر خارجی و رفتار عینی در صدد آن است که شخص دیگری را به تسلیمی مال و یا به تصرف دادن مال یا شی دیگری وادار و متقاعد سازد (واصل، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۸).

وسایل متقلبانه جهت بردن مال دیگری متنوع بوده و بر علاوه روز به روز با پیشرفت و پیچیدگی روابط اجتماعی شکل‌های جدیدی ابداع و فریب‌کاران به دنبال به‌کارگیری روش‌ها و وسایل جدید و ناشناخته می‌روند تا اینکه به‌طور بهتر موجب فریب طرف مقابل گردند (مشیر، ۱۳۴۵، ص. ۴۲). بناً هر نوع وسیله متقلبانه را که هدف به‌کارگیرنده آن بردن مال غیر باشد، البته به شرط اجماع سایر شرایط میتوان از جمله توسل به وسایل متقلبانه به شمار آورد؛ مانند، اسم مجعول، کمک گرفتن از اشخاص (زین الدینی‌نیا، ۱۳۹۵، ص. ۱۴۳) و کمک گرفتن از اشیاء و باورهای یا معتقدات. در حقیقت از جمله وسایل فریب‌کارانه می‌توان از به‌کاربردن اسم غلط یا صفت غلط یا دادن اطلاع غلط در یک حادثه معین و مانند آن نام برد. فقره (۱) ماده ۷۲۵ کود جزاء نیز به متقلبانه بودن وسیله (شخصی که با کار برد اسم، صفت یا سمت کاذب یا سوء استفاده...) اشاره می‌کند. برای مثال کسی به خاطر به دست آوردن منافع مادی و مالی از یک شخص یا مرجع، خود را با نام یا شخصیت شخص دیگری معرفی می‌کند که وی در نزد آن شخص یا آن مرجع دارای اعتبار است؛ یعنی وی با استفاده از بعضی دیپلوماسی‌ها و مانورها خود را به عوض شخص دیگری معرفی می‌نماید، که وی دارای شخصیت امین است و با این شیوه منافع مادی و مالی را کسب می‌کند. به هرحال استعمال اسم کاذب یا صفت کاذب یا دادن اطلاع کاذب از یک حادثه معین می‌تواند جرم فریب‌کاری را ایجاد نماید (نذیر، ۱۳۹۶، ص. ۴۸).

۲.۲.۱. مصادیق وسایل متقلبانه

اول) امیدوار کردن مردم به امور غیرواقع

امور غیرواقع مصداقی برای تقلبی بودن وسیله است که در زمره مثال‌های قانونی فریب‌کاری آمده است. منظور از امور غیرواقع، اموری هستند که در حال حاضر واقعیتی نداشته و وقوع آن‌ها محال و یا به لحاظ منطقی قابلیت تحقق ندارد و یا میزان احتمال وقوع آنان قابل‌اغماض است (آقای‌نیا، ۱۳۹۷، ص. ۵۲).

هرگاه کسی با توسل به وسایل متقلبانه، دیگری را امیدوار نماید که طلب سوخته او را وصول می‌کند، یا اجناس او را به قیمتی بالاتر از قیمت بازار می‌فروشد، یا سؤالات کانکور را برای او به دست می‌آورد، یا بیماری صعب‌العلاج او را درمان می‌کند و یا رمل اندازی سارق اموال او را پیدا خواهد کرد، و از این طریق وجوهی را از وی دریافت نماید، در صورت وجود سایر شرایط، می‌تواند به عنوان کلاه‌بردار تحت تعقیب قرار گیرد.

دوم) ترساندن مردم از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع

ترساندن از حوادث و پیش‌آمدهای غیرواقع به معنی ترساندن از امور غیرواقع و به مفهوم

مأیوس نمودن افراد از تحقق امری مطلوب یا ایجاد بیم و خوف در آنها از محقق شدن یک اتفاق غیرواقعی یا حادثه ناگوار ساختگی و یا یک پیشامد نامطلوب است و بدیهی است که تمامی این امور مستقیماً یا به نحوی از انحا متعلق به آینده بوده و تشخیص مصادیق آنها عرفی و به عهده قاضی است (سالاری، ۱۳۹۳، ص. ۷۷).

بدین ترتیب هرگاه کسی با صحنه‌سازی‌های متقلبانه، مانند جعل نقشه شهرداری، دیگری را از این که بخشی از ملکش در طرح احداث میدان یا تعریض خیابان قرار دارد بترساند و در نتیجه ملک او را با پرداخت قیمتی ارزان‌تر از نرخ بازار از وی بخرد، یا وی را با حيله‌گری (قربانی، ۱۳۹۵، ص. ۲۹) و فریب از خراب‌شدن وضع بازار و پایین آمدن قیمت‌ها ترسانیده و اجناس او را به قیمتی کمتر از قیمت معمول بخرد، این شخص کلاه‌بردار محسوب می‌شود. نباید! فراموش کرد، که برای صدور حکم فریب‌کاری احراز (غیرواقعی بودن) حوادث و پیش‌آمدهای مورد ادعا ضروری است.

سوم) اختیار کردن اسم یا عنوان مجعول

تخلص، کلمه و لفظی است که تمامی افراد یک خانواده که از یک نسل هستند به آن نامیده می‌شوند و از این که این نام بین آنها مشترک است، هر یک دارای یک نام اختصاصی یا شخصی نیز می‌باشند، که معمولاً در عرف به آن اسم یا نام گفته می‌شود (واصل، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۹). منظور از اختیار اسم مجعول آن است که مرتکب با صحنه‌سازی‌های متقلبانه، مثلاً با دست بردن در پاسپورت یا تذکره اش برای خود اسم دیگری غیر از اسم واقعی اش اختیار کند. تعلق یا عدم تعلق اسم اتخاذ شده به شخص دیگر مهم نیست. یک شخص که به بد حسابی و بی اعتباری معروف است، ممکن است صرفاً به قصد پنهان کردن نام اصلی اش در تذکره خود دست برده و نام دیگری را برای خود اختیار کند، بدون این که نام اتخاذ شده متعلق به شخص خاصی باشد. از سوی دیگر، کسی ممکن است نام یک شخص معتبر را اختیار کرده و از این طریق اموال مردم را ببرد. بدیهی است در این حالت، رضایت یا عدم رضایت کسی که نام او مورد سوء استفاده قرار گرفته است، تأثیری بر مسؤلیت مرتکب ندارد؛ اما هرگاه اسم اتخاذ شده اسم خود شخص باشد (البته نام فعلی شخص نه نام قبلی و تغییر یافته اش) ولی به دلیل این که در آن شهر به نام مستعار یا نام خود شناخته شده است، طرف مقابل او را نشناسد و در نتیجه بدنامی و بی اعتباری او را تشخیص ندهد و اموالی را به وی بدهد، اتخاذ اسم مجعول محقق نمی‌گردد؛ لیکن به کسی که اسم مستعار خود را به جای اسم اصلی اش جا زده و از این طریق موفق به بردن مال دیگری شود، با تحقق سایر شرایط می‌تواند کلاه‌بردار محسوب شود.

عنوان در لغت عبارت از هر چیزی است که موجب دلالت به چیزی دیگری کرده و باعث کشف امری دیگری شود و از همین جا است که می گویند «الظاهر عنوان الباطن» یعنی ظاهر از باطن است (واصل، ۱۳۹۵، ص. ۲۷۹). منظور از عنوان، تیترو پوهنتونی و هر نوع مقام دولتی یا غیر دولتی است. کسی که خود را استاد یا رئیس پوهنتون، وکیل ریاست عدلیه، انجینر، داکتر، قاضی، دارای مدرک دکتری، رئیس اداره تذکره، رئیس اداره پاسپورت، وزیر و نظایر آن ها معرفی کند، عنوان مجعول اتخاذ نموده است. عناوین دوستی یا خویشاوندی نیز مشمول همین حکم می شود؛ مانند این که کسی خود را فرزند شخص معروفی وانمود کرده و از این طریق مال دیگری را ببرد.

چهارم) وسایل تقلبی دیگر

ماده ۷۲۵ (کود جزاء)، پس از ذکر برخی از انواع وسایل متقلبانه، بیان می دارد: «.....امیدوارکردن به یک امر غیرواقعی یا ترساندن از یک امر غیرواقعی یا سایر وسایل فریب کارانه..». تردیدی وجود ندارد؛ که استفاده از هرگونه وسیله ای که عرفاً متقلبانه محسوب گردد، می تواند موجب تحقق عنصر مادی فریب کاری شود؛ مانند ایجاد تصادف یا حادثه ساختگی و گرفتن پول از شرکت بیمه؛ دایر کردن معاینه خانه مجلل و ظاهر فریب برای تظاهر به اشتغال به امر طبابت؛ صحنه سازی برای جا زدن خود به جای گیرنده بسته پستی و دریافت آن از مأمور پست؛ نشان دادن زمین مرغوب به جای زمین نامرغوب توسط دلال یا فروشنده و فروش آن به خریدار؛ پوشانیدن عیوب مبیع (جنس مورد معامله) توسط بایع (فروشنده)؛ به رهن گذاشتن ملکی با توسل به وسایل متقلبانه به چند برابر ارزش واقعی آن و اخذ وام از این طریق؛ عوض کردن برچسپ قیمت الصاق شده بر روی جنس از سوی خریدار و پرداخت مبلغ کم تر به فروشنده و معلولیت خود را ناشی از جنگ قلمداد کرده و از کمک ها و تسهیلاتی که برای معلولان جنگ پیش بینی شده است استفاده کند، کلاه بردار محسوب خواهد شد (قربانی، ۱۳۹۵، ص. ۳۲).

۲.۳. فریفته شدن مال باخته

شرط دیگری که برای تحقق جرم فریب کاری ضروری است، اغفال و فریب قربانی می باشد. به عبارت دیگری، قربانی جرم باید مال را با رضایت؛ اما در نتیجه گول خوردن، در اختیار مجرم قرار دهد، و همان طور که قبلاً اشاره شد، این شرط مجزا از شرط لزوم متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاه بردار می باشد؛ از این نظر که وسایل مورد توسل کلاه بردار باید (عرفاً) متقلبانه محسوب گردد و علاوه بر این، قربانی جرم باید (عملاً) فریب خورده و مالش را با رضایت خود در اختیار کلاه بردار قرار دهد. بدین ترتیب، کسی را که با استفاده از داروی بی

هوش نموده و مالش را بر می دارد نمی توان به ارتکاب جرم فریب کاری محکوم کرد؛ بل که اطلاق عنوان (سرقت) به عمل او مناسب تر میباشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۷، ص. ۸۳).
لازمه اغفال و فریب قربانی، عدم آگاهی او نسبت به متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده کلاهبردار می باشد. بنابراین تا زمانی که مال باخته مورد اغفال واقع نشود و به طور طبیعی و با اراده آزاد مال خود را به کلاهبردار تسلیم ننماید، فریب کاری واقع نمی شود. به همین دلیل است که باید گفت جهل و عدم اطلاع و آگاهی مال باخته از متقلبانه بودن وسیله مورد استفاده کلاهبردار که به صورت اغفال و فریفته شدن او تجلی می کند. شرط تحقق جرم است و بالعکس علم و اطلاع وی به تقلبی بودن وسیله موصوف که با اغفال و فریفته شدن او مغایر است موجب زوال وصف مجرمانه از عمل مرتکب می شود.

۲.۴. تعلق مال برده شده به غیر

در فریب کاری مانند سایر جرائم علیه اموال، تعلق مال برده شده (اعم از منقول یا غیر منقول) به دیگری شرط تحقق جرم می باشد. بنابراین، کسی که با توسل به وسایل متقلبانه مال خود را از تصرف دیگری خارج می کند (حتی در صورتی که تصرف متصرف مشروع و قانونی باشد) محکوم به ارتکاب جرم فریب کاری نمی گردد. بدین ترتیب، راهن یا موجری که با توسل به وسایل متقلبانه، عین مرهونه یا عین مستأجره را از ید مرتهن یا مستأجر خارج می سازد؛ یا کسی که برای گریز از پرداخت حق انبارداری، با توسل به وسایل متقلبانه اموال خود را از انبار خارج می کند، یا خریداری که قبل از پرداخت ثمن معامله (بهای کالای مورد معامله) برای محروم کردن بایع از حق حبس، مبیع را با حيله و تقلب از ید بایع خارج نماید، هیچ یک از این موارد فریب کاری محسوب نمی شوند.

۲.۵. وجود رابطه سببیت

از آنجا که فریب کاری از جمله جرائم مقید است، وجود و احراز رابطه سببیت در آن بین فعل مجرمانه و نتیجه حاصله از جرم همانند سایر جرائم مقید ضرورت دارد. یعنی لازم است، در اثر مانورها و وسایل متقلبانه به کار گرفته شده توسط مرتکب، مجنی علیه اغفال شود و بر اثر این اغفال رضایت وی حاصل گردد و با این رضایت حاصل شده از این اغفال مال خویش را تسلیم نماید و با این تسلیم تصرف مال منظور توسط مرتکب حاصل شود و بدین ترتیب این تسلسل رابطه سببیت حفظ گردد. ضرورت وجود این نحو رابطه سببیت خود موجب می شود که در فریب کاری فعل مرتکب مقدم بر فعل مجنی علیه بوده و علت تعیین کننده تسلیم مال باشد (سالاری، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۳).

بنابراین چنانچه مال منظور بدون استفاده از وسایل متقلبانه تحصیل شود؛ یا اینکه به رغم اعمال وسایل متقلبانه، مجنی علیه به لحاظ علم بدین امر فریفته نشده باشد و مال خویش را صرفاً به جهت دیگری مثلاً به لحاظ عدم نیاز و اعراض یا مساعدت به مرتکب تسلیم وی نموده باشد و یا با وجود به کار گرفتن وسیله متقلبانه و اغفال شدن مجنی علیه این اغفال نه ناشی از اعمال وسیله متقلبانه بلکه مرتبط با موضوعی غیر از آن بوده یا فی نفسه تأثیری در تسلیم مال مورد نظر به مرتکب نداشته بلکه موجب و انگیزه اصلی این تسلیم امر دیگری از قبیل نیاز مبرم مجنی علیه نسبت به فروش این مال ولو به ثمن بخش بوده است یا بالاخره تسلیم و تصرف مال موصوف قبل از اعمال وسیله متقلبانه توسط مرتکب، حاصل شده باشد، در هیچ یک از این قبیل حالات و صور به اعتبار عدم وجود یا قطع رابطه سببیت جرم فریب کاری تحقق نمی یابد. نکته ای که در اینجا ذکر آن خالی از ضرورت نیست این است که باید توجه داشت برای تحقق فریب کاری لازم نیست تمامی اسباب و حیل و وسایل به کار گرفته شده توسط کلاهبردار متقلبانه باشد بلکه ممکن است این اسباب اختلاط و امتزاج و اجتماعی از اسباب متقلبانه و غیر متقلبانه باشد که اینک غالباً چنین است، لذا کافی است رابطه تسلسل سببیت بین اسباب متقلبانه و مراحل منتج به تحصیل مال (به نحو مذکور) برقرار شود به گونه ای که سبب متقلبانه به عنوان سبب موثر و اقوی تلقی گردد (سالاری، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۵).

۳. رکن روانی (معنوی)

برای تحقق هر پدیده جنایی، نقض قوانین و مقررات جامعه به تنهایی کافی نیست. فعل یا ترک فعل مجرمانه باید نتیجه قصد و اراده مرتکب باشد. به بیان دیگر، باید بین عمل مجرمانه و حالات روانی مرتکب ارتباط وجود داشته باشد؛ تا بتوان وی را مقصر و مستحق مجازات شناخت. این حالت روانی که لازمه تحقق جرم است، عنصر روانی جرم می باشد. ارتکاب عمل به خودی خود، دلیل وجود عنصر معنوی یا روانی نیست و در مواردی با وجود این که عملی صورت می گیرد، قانون مرتکب آن را در جرایم عمدی به خاطر فقدان قصد مجرمانه یا فقدان مسؤولیت جزایی قابل مجازات نمی داند. مانند احراز فقدان قصد و عمد در جرائم علیه اموال، چون سرقت و تخریب بنا و عمارت که وصف مجرمانه را از عمل ارتكابی زایل می سازد (قربانی، ۱۳۹۵، ص. ۴۳).

عنصر روانی فریب کاری از دو جزء سوء نیت عام و سوء نیت خاص تشکیل می شود. منظور از سوء نیت عام (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۶) اراده خودآگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه، و به عبارت دیگر قصد استفاده از وسیله متقلبانه (و در واقع عمد در فعل) می باشد. وجود سوء نیت عام برای آن که جرم عمدی تحقق یابد، لازم و ضروری است.

کلاه بردار باید با علم به تقلبی بودن وسیله مورد استفاده خود، در به کار بردن از آن، عمد داشته باشد. بنابراین، هرگاه کسی به اشتباه، ولی صادقانه معتقد به غیر متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده خود باشد (برای مثال وقتی که از مردم برای ساختمان سازی پول دریافت می کند و واقعاً قصد ساختمان سازی داشته و تصور می کند که از عهده این کار بر خواهد آمد)، رکن سوء نیت عام متزلزل خواهد بود.

خلاصه این که در جرم فریب کاری قصد عام عبارت از بکارگیری ارادی و آگاهانه وسایل متقلبانه برای اغفال کردن شخص دیگری و تحقق جرم مربوطه یعنی شخص عالماً و عامداً وسایلی را بکار برد که آگاهی به متقلبانه بودن آنها داشته و هدف از استعمال آنها فریب دادن شخص دیگری باشد (واصل، ۱۳۹۵، ص. ۲۸۶).

جز دوم عنصر روانی جرم فریب کاری، سوء نیت خاص، یعنی اراده آگاه نسبت به مال موضوع جرم یا شخص متضرر از جرم است. ماهیت سوء نیت خاص را انگیزه تشکیل می دهد و ممکن است مجرم، انگیزه های متعددی داشته باشد، ولی قانون گذار از میان آنها، انگیزه خاصی را که از نظر وی دارای خطر بیشتری است، مورد تاکید قرار می دهد که در صورت وجود چنین انگیزه ای سوء نیت لازم در این قبیل جرائم حاصل شده و جرم تحقق پیدا می کند. سوء نیت خاص در جرم فریب کاری، قصد بردن مال دیگری است. قانون گذار افغانستان در ماده ۳۸ کود جزا، عنصر معنوی را چنین تعریف می کند «عنصر معنوی جرم عبارت است از قصد جرمی، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن یا خطای جرمی». در نتیجه باید به سوء نیت عام و سوء نیت خاص جرم کلاه برداری بپردازیم.

۱.۳ سوء نیت عام

مقصود از سوء نیت عام اراده خود آگاه فرد در ارتکاب عمل مجرمانه است و در این جا عبارت از قصد استفاده از وسیله متقلبانه است و فریب کار باید با آگاهی به تقلبی بودن وسیله مورد استفاده خود با قصد و اراده از آن استفاده کند. در ماده ۷۲۵ کود جزا به صورت دقیق تأمل کرده شود این مسئله مبرهن است. اول تر از همه باید گفت که مقصد قانون گذار از «علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن» عبارت از علم به موضوع بوده، نه به حکم. به این توضیح که شرط نیست که مرتکب به حکم قانونی رفتار خویش علم و آگاهی داشته باشد؛ زیرا این یک قاعده عام در علم حقوق است که جها به قانون عذر پنداشته نمی شود. در این زمینه قانون اساسی در ماده ۵۶ نیز چنین صراحت دارد: «بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود». از این رو مراد از علم مرتکب به جرم و نتیجه آن این است که مرتکب رفتار مجرمانه را به علم و آگاهی انجام دهد و به نتیجه ای که از رفتار وی حاصل می شود علم داشته باشد؛ نه این که بدون اراده

و آگاهی رفتاری را انجام دهد و از نتیجه آن رفتار نیز آگاه نباشد.

حقوق دانان افغانستان به نحو اتفاق علم به متقلبانه بودن وسیله را شرط لازم برای تحقق فریب کاری می دانند و معتقدند که در حالی کسی بر اثر غفلت عملی انجام دهد که منجر به تسلیم اموال دیگران به خودش شده باشد، فریب کاری نیست؛ زیرا فاقد سوء نیت عام می باشد. چنانچه اگر کسی اسم دیگری را با اعتقاد به این که مستحق آن است به کار بردن یا اسم دروغی بر خود و یا عنوان خلاف واقع اختیار کند؛ اما در کمال حسن نیست خود را در تسمیه به آن اسم و یا اختیار آن عنوان محقق بداند، ولو این که باعث اغفال دیگری و نیز تسلیم مالش به وی شود فریب کار نیست (حبیب زاده، ۱۳۷۷، ص. ۴۹).

۲.۳ سوء نیت خاص

سوء نیت خاص به این معنا که مرتکب با توسل به وسایل متقلبانه، قصد بردن مال یا پول دیگری را داشته باشد یا قصد گرفتن منفعت یا وادار کردن به خدمت از دیگری را داشته باشد؛ بنابراین اگر کسی به اشتباه ولی صادقانه، معتقد به غیر متقلبانه بودن وسایل مورد استفاده خود باشد و این اقدامات را به قصد انتقام جویی یا خارج کردن مال متعلق به خود از دست دیگری انجام دهد، عنصر روانی فریب کاری مخدوش است و در اثر رفتار با این گونه قصد، مرتکب جرم فریب کاری نشده است. ماده ۳۹ کود جزاء در مورد سوء نیت خاص چنین صراحت دارد که « قصد جرمی عبارت است از سوق اراده فاعل به ارتکاب فعلی که جرم را به وجود می آورد، به نحوی که منجر به وقوع نتیجه جرم مورد نظر و یا وقوع نتیجه جرم دیگری شود.

نتیجه گیری

فریب کاری از جمله جرائم عمدی است و اهمال و اشتباه ساده‌ی مرتکب برای تحقق آن کفایت نمی کند؛ بل که احراز عمد و قصد مرتکب ضروری است. بنابراین آگاهی مخاطب از ترفند ها و مانورهای متقلبانه، رکن معنوی را مخدوش می کند. آموزش عموم نسبت به روش های فریب کاری و نیز هشدار به شهروندان نسبت به ترفندهای کلاه برداران با توجه به تحولات صنعتی و فن آوری روز، نقش مهمی در کاهش آمار فریب کاری خواهد داشت. در حقیقت در فریب کاری سه نکته بسیار مهم می باشد: نخست گفتن دروغ، سپس سوء استفاده از یک نقطه ضعف یا آسیب پذیری قربانی و در پایان بردن مال یا گرفتن امتیاز یا هر امر دیگری به ناروا یا ناحق. بنابراین در فریب کاری باید به این مهم توجه شود که آیا کلاه بردار دروغ گفته است یا خیر. اگر ثابت شده که وی دروغ گفته است؛ باید به موضوع بعدی پرداخته شود و آن این که آیا در بیان دروغ کلاه بردار از یک نقطه‌ی ضعف و یا یک نقطه آسیب پذیری قربانی بهای حماقت خودش را می پردازد، در چنین وضعیتی موضوع تنها جنبه حقوقی باید داشته باشد و

نه جنبه جزایی. در مرحله‌ی بعد اگر ثابت شد که قربانی نقطه‌ی ضعفی داشته است؛ باید به این موضوع پرداخته شود که آیا مرتکب به ناحق و یا ناروا مالی یا امتیازی را به دست آورده است یا خیر، اگر فردی علاوه بر ناحق و سوء استفاده از آسیب پذیری قربانی مالی یا امتیازی را به ناروا به دست نی آورده به عنوان مثال قیمت مال موضوع بحث را به صورت عادلانه پرداخته است در چنین بستری فریب کاری منتفی می‌شود؛ ولی اگر مال مورد بحث را به قیمت بسیار نازلی به دست آورده باشد بی تردید فریب کاری واقع شده است. بنابراین به نظر می‌رسد قانون‌گذار بجای توجه و تمرکز بر این شرط بر ماهیت دروغ متوسل شده و از سوی دیگر (اصطلاح) مانور متقلبانه را بکار گرفته و سبب ابهام در تعریف جرم فریب کاری و ایجاد زمینه برای برداشت‌ها و تفاسیر متفاوت شده است.

منابع

- ردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۷). حقوق جزای عمومی. ج اول. تهران: میزان، چ چهارم.
- امینی، محبوبه. (۱۳۹۱). بازاندیشی در جرم فریب کاری به‌عنوان جرم مرکب. پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ۹(۵)، ۷۱-۵۶.
- آقای نی، حسین. (۱۳۹۷). جرایم علیه اموال و مالکیت. ج دوم. تهران: میزان، چ دوم.
- بهره‌مند، حمید. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، چ اول.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر. (۱۳۷۷). مروری بر جرم فریب کاری در حقوق ایران. مجله دادرسی، ۴(۸)، ۳۸-۵۱.
- حسینی، امین. (۱۳۹۱). درآمدی بر رکن مادی جرم فریب کاری در حقوق کیفری ایران. مجله کانون، ۳(۱۳۲)، ۷۰-۸۰.
- روحانی، رحیم‌الله. (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی. کابل: اقرا کتاب، چ اول.
- زین الدینی نی، مرضیه. (۱۳۹۵). تبیین مفهوم جرم فریب کاری در حقوق ایران. مجله مطالعات حقوق، ۷، ۲۲-۳۵.
- سالاری، مهدی. (۱۳۹۳). فریب کاری. تهران: میزان، چ چهارم.
- عالی‌پور، حسن. (۱۳۹۵). حقوق کیفری فناوری اطلاعات. تهران: خرسندی، چ چهارم.
- عبدالله‌پور، اکرم. (۱۳۹۲). جرم فریب کاری و عناصر تشکیل‌دهنده آن در حقوق ایران. مجله دادرسی، ۱۰۰، ۴۵-۵۷.
- فرید، محمد محسن. (۱۳۹۶). حقوق جزای اختصاصی. کابل: حامد، چ دوم.
- قربانی، امیرحسین. (۱۳۹۵). فریب کاری از دیدگاه حقوق ایران. تهران: کتاب آوا، چ اول.
- محمد نژاد، پرویز. (۱۳۸۷). شناخت جرم فریب کاری. مجله اصلاح و تربیت، ۷۳، ۶۳-۷۷.
- مشیر، سید مرتضی. (۱۳۴۵). فریب کاری در حقوق جزای ایران. مجله کانون وکلا، ۱۰۳، ۳۵-۵۲.

- مصدق، محمد. (۱۳۸۵). نگرشی علمی و کاربردی بر جرم فریب کاری. مجله دادرسی، ۵۵، ۴۸-۶۴.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۷). *جرایم علیه اموال و مالکیت*، تهران: میزان، چ پنجاه و سوم.
- نذیر، داد محمد. (۱۳۹۶). *حقوق جزای اختصاصی*. جلد دوم، کابل: حامد رسالت، چاپ دوم.
- واصل، عبدالاقرار. (۱۳۹۵). *حقوق جزای اختصاصی*. کابل: سعید، چاپ اول.
- وزارت عدلیه. (۱۳۸۲). *قانون اساسی افغانستان*. جریده رسمی، کابل.
- وزارت عدلیه. (۱۳۹۷). *کود جزای افغانستان*. جریده رسمی، کابل.